

# جایگاه متخصص تعلیم و تربیت

**کلیدواژه‌ها:** متخصص تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، معلم، دانش آموز، یادگیری، نقش حرفه‌ای

## اشاره

با تخصصی شدن علوم و افزوده شدن شعبات و شاخه‌های آن‌ها در دهه‌های اخیر، عنوان «متخصص» در بسیاری از حوزه‌های علم رواج یافت. تعلیم و تربیت نیز که از دیرباز با بشر همراه بوده و جایگاه خاص خود را در تمدن‌های گوناگون داشته، با روند تخصصی شدن، زیرعنوان‌های علمی، شغلی و حرفه‌ای فراوانی پیدا کرده و به نوبه خود به پیدایش تخصص‌ها و متخصصان بسیاری در این حوزه انجامیده است. در این نوشتار کوتاه، نقش متخصص تعلیم و تربیت مرور شده است.

## سرآغاز

در امور روزمره بسیار شنیده می‌شود که افراد در گفته‌هایشان این عبارت را به کار می‌برند: «این کار باید توسط متخصص انجام شود» یا اینکه «در این مورد با متخصص مشورت کن». امروزه، عبارت متخصص به مفهومی پرکاربرد در جامعه تبدیل شده است. اینکه متخصص کیست، کجا به آن نیاز است و کجا ضرورت کمتری برای حضورش وجود دارد، بحثی است که در این مقاله نمی‌گنجد. اما موضوع بسیار مهم این است که وجود متخصص تعلیم و تربیت نیاز ضروری برای ادامه حیات آموزش و پرورش هر کشوری محسوب می‌شود.

## نقش و اثر متخصص تعلیم و تربیت

به چه کسی می‌توان لقب متخصص تعلیم و تربیت داد؟ پاسخ به این پرسش مستلزم طی کردن فرایندهای تحلیل شغل و تعیین حدود و ثغور کار متخصص تعلیم و تربیت است. اما در حد بحث حاضر می‌توان گفت، متخصص تعلیم و تربیت کسی است که به مسائل تربیتی اشراف دارد و می‌تواند راهبردها و جهت‌گیری‌های کلان تربیتی را در جامعه ترسیم کند. چنین فردی باید تسلط کاملی بر مبانی و اصول تعلیم و تربیت، روندهای تاریخی، اسناد بالادستی، اصول حاکم بر نظام تربیتی و دانش نظری علم تربیت داشته باشد. تعلیم و تربیت نیز مانند سایر حوزه‌های دانش بشری در سه دهه گذشته از نظر گسترش دامنه عمل سیر صعودی را تجربه کرده است

و گرایش‌های متعددی در آن به وجود آمده است. تعدد این گرایش‌ها از یک سو نوید تخصصی شدن کار در حوزه تعلیم و تربیت و از سوی دیگر، برجستگی نیازها در این حوزه را نشان می‌دهد. نکته مورد توجه این است که هر کس با هر تخصصی نمی‌تواند به جای متخصص تعلیم و تربیت تصمیم بگیرد.

پیاژه (که هیچ کس نمی‌تواند اثرات دیدگاه‌های او در تعلیم و تربیت را انکار کند) در کتاب «تربیت به کجا ره می‌سپرد؟»، اشاره‌ای بسیار آموزنده به این امر دارد. او می‌گوید: از آنجا که متخصص آموزش و پرورش نیستیم، به خود اجازه نمی‌دهیم چیزی به مربیان توصیه کنیم. آنچه از من ساخته است، تهیه و تولید داده‌ها و یافته‌هایی است که آنان بتوانند استفاده کنند. وانگهی، معتقدم که مربیان خود قادرند به روش‌های تربیتی جدید دست یابند.

می‌بینیم که تربیت از نظر پیاژه بسیار با اهمیت‌تر از آن است که هر کس، حتی خود پیاژه، بتواند در مورد آن اظهار نظر کند. غایت نظام تربیتی مورد نظر پیاژه شامل فهمیدن، ابداع کردن و آفریدن است. دانشمندان دیگری هم که به نوعی با تعلیم و تربیت سر و کار داشته‌اند، همگی نسبت به نقش و جایگاه این امر مهم واقف بوده‌اند. برای مثال، کانت در رساله «تعلیم و تربیت خود دو کار، یکی «تعلیم و تربیت» و دیگری «سیاست» را از دشوارترین کارها می‌داند.

نگاهی کوتاه به پیشینه تعلیم و تربیت، حاکی از دیدگاه‌های متعدد و متنوع کسانی است که در خصوص

تربیت معلمان  
همواره دری به  
سوی اجتماع  
دارد و بدون توجه  
به جامعه هرگز  
نمی توان معلم  
خوب تربیت کرد؛  
هر چند بالاترین  
دانش شناختی،  
روان شناختی  
و تربیتی را در  
اختیار آن ها  
بگذاریم



مسائل تعلیم و تربیت اظهار نظر و راهکارهایی ارائه کرده‌اند. این دیدگاه‌ها روی هم پیشینه‌ای قوی برای تعلیم و تربیت به وجود آورده و به نوعی آن را شکل داده‌اند. اما نکته قابل توجه این است که کمتر کسی در جایگاه متخصص تعلیم و تربیت قرار گرفته و توانسته است در تعیین جهت تعلیم و تربیت نقش پررنگی ایفا کند. این افراد کسانی هستند که به تمامی ابعاد و اهمیت تعلیم و تربیت اشراف دارند و بدون تأمل و تفکر و غور در موضوع اظهار نظر نمی‌کنند. بررسی سابقه یکصد ساله تعلیم و تربیت در کشورمان نشان می‌دهد که ما به حد کافی متخصصان اثرگذاری که بتوانند تعلیم و تربیت را با ویژگی‌های بومی کشورمان هم‌راستا سازند نداشته‌ایم، آنان هم که متخصص بوده‌اند، نتوانسته‌اند در نظام تعلیم و تربیت خیلی اثرگذار باشند. در یک قرن گذشته، آنچه در نظام تربیتی رخ داده، عمدتاً تقلید ناقص از نظام‌های آموزشی غربی بوده است. این امر نشان می‌دهد، ما فاقد توان و ظرفیت بومی لازم برای تربیت متخصص یا بهره‌برداری از توان و دانش متخصصان خارجی هستیم.

به دنبال رواج اعزام دانشجو به کشورهای خارجی، هر چند توسعه قابل توجهی در نگاه‌ها به تعلیم و تربیت صورت گرفت، اما همچنان جای متخصص اثرگذار در نظام تربیتی ما خالی بوده و این در حالی است که در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت نیز ما خیلی موفق نبوده‌ایم. شاید بتوان گفت در این بخش نیز جای خالی متخصص مشاهده می‌شود.

پیازه می‌گوید: «تربیت برای من عبارت است از پرورش افراد خلاق؛ حتی اگر تعداد آن‌ها زیاد نباشد. باید مخترع و نوآور تربیت کرد نه دنباله‌رو یا تابع». اگر این توصیه را جدی بگیریم، می‌توان گفت نظام تربیتی ما آن قدر درگیر حواشی و مشکلات کوچک و بزرگ است که حتی نمی‌تواند به این موضوع فکر کند، چه رسد به اینکه دنبال تحقق آن باشد. در اینجا باید بر نقش متخصص تعلیم و تربیت تأکید کنیم، تا برجسته کردن تربیت و اهمیت آن، نظام تربیتی را از توجه صرف به امور روزمره برهاند و به سوی توجه به مراتب بالاتر و امور اولاتر سوق دهد. در واقع، نظام تربیتی ما درگیر مسائلی است که در بسیاری از کشورهای دارای نظام آموزشی پیشرو و برجسته خیلی سریع و به موقع رفع شده است. برای مثال، ما سال‌هاست درگیر موضوع تربیت معلم هستیم و هیچگاه به دنبال حل مشکلات پایه‌ای آن نبوده‌ایم. ناگزیر در اینجا هم نظری از پیازه نقل می‌کنیم که می‌گوید: «تربیت معلمان همواره دری به سوی اجتماع دارد و بدون توجه به جامعه هرگز نمی‌توان معلم خوب تربیت کرد؛ هر چند بالاترین دانش شناختی، روان‌شناختی و تربیتی را در اختیار آن‌ها بگذاریم.» در حالی که ما در کشورمان هیچگاه چنین نگاهی به تربیت معلم نداشته‌ایم و همواره درگیر تصمیم‌های

غیرکارشناسی و شتابزده در این حوزه بوده‌ایم. به‌طور کلی، بحث در مورد نقش متخصصان تعلیم و تربیت از این گفتار کوتاه بسیار گسترده‌تر است و نمی‌توان با نوشته‌ای کوتاه در مورد آن حق مطلب را ادا کرد. خلاصه آنکه ما نه ظرفیت لازم را برای تربیت متخصص تعلیم و تربیت آماده کرده‌ایم و نه توان استفاده از متخصصان موجود را داریم. به علاوه، ارتباط دو نظام تربیتی عمومی و دانشگاهی کم است و هیچ یک احساس نمی‌کنند به هم نیاز دارند. در حالی که هر دوی این‌ها جزء نظام بزرگ‌تری به نام نظام آموزشی کشور هستند.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله فقط طرح مسئله شد و توجه به این نکته که تأمل و تدبیر بیشتر در مورد آن ضرورتی انکارناپذیر برای نظام تربیتی ماست. جالب اینکه تخصصی شدن زیر بخش‌های تعلیم و تربیت نیز به داد ما نرسیده است و نظام تربیتی ما همچنان همان راهی را می‌رود که سال‌ها می‌رفته است. به نظر می‌رسد با مشکلات ریز و درشت خودش هم کنار آمده است. این بحث را با بیان دو نکته از پیازه به پایان می‌برم: «آینده تعلیم و تربیت به این بستگی دارد که آیا افراد بالغ جامعه قدرت کافی دارند که مسائل خود را به درستی حل کنند» و «پیامدهای نظام تربیتی از نظر من (پیازه)، فهمیدن، ابداع کردن و آفریدن است. این پیامدها با نگاه سنتی به معلم و شاگرد در فرایند تدریس و یادگیری هیچگاه محقق نمی‌شود».

### \*منابع

۱. پیازه، ژان (۱۳۷۰). تربیت به کجا ره می‌سپرد؟ ترجمه دکتر محمود منصور و دکتر پری‌رخ دادستان. انتشارات دانشگاه تهران.
۲. کانت، ایمانوئل (۱۳۷۴). تعلیم و تربیت. ترجمه غلامحسین شکوهی. انتشارات دانشگاه تهران.